

# مأموریت؛ تروریسم فرهنگی

**دکتر آیت پیمان**  
رئیس مجمع جهانی شیعه‌شناسی

۱. اقدام هتاکانه اخیر نشریه موهن شارلی ابدو و توهین به مرجعیت و روحانیت واکنش‌های بسیاری را در پی داشت و از سوی هنرمندان، نویسندگان ایرانی و البته مقامات جمهوری اسلامی ایران نیز به شدت محکوم و مورد پیگیری دیپلماتیک واقع شد. اما «آزادی بیان» اسم رمز نشریه موهن «شارلی ابدو» برای انجام اهداف ضد دین و توهین آمیزش علیه مسلمانان شده است. در حالی که اگر برای آزادی بیان هم حد و مرزی نباشد بی‌شک به آزادی دیگری تعرض خواهد کرد. همچنان که این مجله فکاهی چپ‌گرای فرانسوی بارها با انتشار تصاویر موهن ضداسلامی و ضد دینی‌اش احساسات میلیون‌ها مسلمان جهان را جریحه‌دار کرده است. البته کارنامه او خالی از توهین به دیگر ادیان هم نیست. انتشار کاریکاتورهای موهن از پیامبرگرامی اسلام(ص) در این مجله مسوق به سابقه است و نخستین بار در سال ۲۰۰۶ و سپس در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۵ با به کارگیری خشونت کلامی و خشونت تصویری بارها مسلمانان را هدف اقدامات تروریستی خود قرار داده است و «تروریسم رسانه‌ای» و «تروریسم فرهنگی» را مصداق بخشیده است. توهین به مسلمانان و رنگین‌پوستان و اقدامات ضد دین و ضد نژادی این نشریه، با اینکه بارها سردبیرش را به دادگاه کشانده اما هر بار، زیر لوای «آزادی بیان» خود را تبرئه کرده است؛ و همین امر موجب تاسف بسیاری از تحلیلگران آن را عاملی برای بازتولید افراط گرایی بداند. چنانکه در سال ۲۰۱۵ بعد از انتشار کاریکاتورهای موهن از پیامبر اکرم(ص) دفتر این نشریه موهن مورد حمله گروه‌های تروریستی قرار گرفت و تعدادی از

شهروندان فرانسوی را قربانی این ماجرا کرد. ۲. همه آگاهان جهان می‌دانند که تنها مکتب و مذهبی که در مقابل فرهنگ لیبرالیسم مادی‌گرای غرب قرار می‌گیرد و این فرهنگ الحادی را نفی کرده و با اباحی‌گری اخلاقی غرب مبارزه می‌کند، مکتب حیات‌بخش تشیع است و این مکتب هم مروهون آموزه‌ها و تعالیم قرآن کریم و اهل بیت(ع) است که امروز به وسیله قهقهای اسلام و مراجع بزرگ تقلید و رهبران جامعه شیعه، استمرار یافته است. این امر، در واقع، آغاز دشمنی جریان استکبار غرب با اسلام حقیقی و ناب شیعی است. امروز، تمامی عناصر و عوامل جنگ نرم، شناختی و ترکیبی، در یک مکتب متحد، تحت سیطره استکبار جهانی عمل می‌کنند و به نوعی تحت سلطه و نفوذ صهیونیسم جهانی قرار دارند. از آنجایی که حیات غرب و امریکا به خواست‌های صهیونیسم گره خورده است، می‌کوشند تا خواسته‌ها و تمایلات این جریان را عملیاتی کرده و به دسیسه‌ها و ترفندهای آنان جامه عمل بپوشانند. لذا، «اسلام‌هراسی» و «شیعه‌ستیزی» برنامه‌ای است که سال‌ها در دستور کار خود دارند و در جای‌جای جهان به شیوه‌های مختلف در پی پیاده‌سازی می‌امر هستند و چون نمی‌توانند کانون تشیع را به زانو درآورده و بر هسته مقاومت تشیع که بازگر اصلی آن جمهوری اسلامی است، فائق آیند، به اقدامات سخیفی دست می‌زنند؛ همچون اقدام موهنی که اخیراً در مجله فرانسوی «شارلی ابدو» رخ داده است.

۳. موضوع دیگر این است که جریان استکبار و نشریاتی همچون شارلی ابدو که به نوعی مجری این جریان است چه برنامه و هدفی را در پس اقدامات خود پیگیری می‌کنند؟ واقعیت این است که جریان استکبار جهانی به خیال خود می‌کوشد با اهانت به مقدسات و با قداست‌زدایی از نمادهای

## تجدد اندیشه

و... به نمایش گذاشته می‌شود. تعرض به مرجعیت شیعه، به نوعی تعرض به هویت شیعه است و امروز نشریه شارلی ابدو به‌عنوان یک کانون نفرت‌پراکن و خشونت‌افزین به هویت تشیع و امت اسلامی تعرض کرده است. البته شخصیت‌های برجسته‌ای همچون حضرت امام(ره) و رهبر معظم انقلاب که شخصیتی دانشمند، فرزانه، عارف، ربانی، مجتهد و فقیه هستند و در دوران مشکلات و معضلاتی که جبهه استکبار ایجاد کرده، پیامبرگونه عمل کرده، مبری از این اهانت‌ها و تهمت‌ها هستند. تاریخ اسلام هم نشان داده است که در برابر همه شخصیت‌های دینی در طول تاریخ، چنین کینه‌ورزی‌هایی رخ داده است و جریان استکبار وقتی نمی‌توانند در میدان حقیقی مبارزه، میدان فکری و اندیشگی و میدان سیاسی کاری از پیش برد، کینه و عناد خود را در قالب رفتارهای استهزاآمیز پیگیری می‌کند. غافل از اینکه پیامدهای سوء این اقدامات بیشتر به خود آنان بازخواهد گشت. خداوند در آیه ۹۶ سوره مریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ اللَّهُ أَمْثَلًا كَثُورًا» همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند به زودی خدای رحمان برای آنان محبتی (در دل‌ها) قرار می‌دهد.»

امروز محبت شخصیت‌هایی مثل حضرت امام خمینی(ره)، مقام معظم رهبری، آیت‌الله سیستانی و شهید سردار حاج قاسم سلیمانی و دیگر مراجع تشیع، به‌دلیل ایمان کامل و عمل صالح مورد قبول خداوند، در دل بسیاری از انسان‌های خادجو، آخرت‌گرا و آنان که از عقل سلیم برخوردارند، نهاده شده است و با چنین اقداماتی از هم نمی‌گسند. وظیفه ما در این شرایط آگاهی از این «جنگ شناختی» و تحلیل درست این میدان است و اساساً منظور از «جهاد تبیین» هم همین شناخت و آگاهی بخشی در خصوص این دسیسه‌ها و نفرت‌پراکنی‌ها است.



شیعیان و الگوهای مسلمانان، بر افکار عمومی جهان اثر گذاشته و با عادی‌سازی توهین به مقدسات و قداست‌زدایی از آنان راه را برای تضعیف و مخدوش کردن باورهای مردم هموار کند. به همین دلیل است که اغلب از این جنس از مواجعه، تحت عنوان «جنگ شناختی» و «جنگ ترکیبی» سخن به میان می‌آید. ۴. واقعیت این است که این جنس اقدامات به نوعی نشان از اضمحلال فکری و اندیشه‌های است و وزند هیچ صاحب اندیشه‌ای و در هیچ مکتبی، تأیید نشده و معقول به حساب نمی‌آید. تعرض به یک شخصیت اسلامی در حد مرجعیت شیعه و رهبری یک ملت و جریان تشیع، در واقع تعرض به امت اسلامی و مکتب جهانی تشیع است که امروز بیش از ۴۵۰ میلیون معتقد در جهان دارد که بارها و بارها با صدای بلند از ارزش‌های دینی تشیع در جهان، دفاع کرده و در رویدادهای مختلفی که در جهان به‌وجود می‌آید، به صحنه می‌آیند و تعهد خود به ارزش‌های این مکتب را ابراز می‌کنند. شاهد این مدعا، رویدادهای شیعی است که در سراسر جهان در ایام محرم، عاشورا، رمضان، ربیعین



عکس: ankaratv.com

## دفاع مقدس امروز ما دفاع از مرجعیت جهان اسلام است

**دکتر حسین تدین**  
عضو اندیشکده بیابیه کام‌رود



دستگاه تروریسم فرهنگی استکبار جهانی بار دیگر دست به ترور فرهنگی دیگری علیه اسلام و مسلمانان جهان زده و این مرتبه ولی امر مسلمین جهان را نشانه گرفته است. این سلسله ترورهای فرهنگی همواره علیه اسلام و مسلمانان رخ داده است ولیکن بعد از انقلاب اسلامی ایران و تقسیم جبهه جهان به صحنه مبارزه اسلام و استکبار، این حملات تروریستی فرهنگی شدیدتر و وقیحانه‌تر شده است. مجله هتاک و گستاخ «شارلی ابدو» بار دیگر اهانت و هتاک‌ی به اسلام و مسلمین جهان را با عنوان آزادی بیان در دستور کار خویش قرار داده است. امروزه همه آزادپنجاهان واقعی جهان می‌دانند که آزادی بیان در غرب بهانه و دستاویزی است برای هتک اسلام. آزادی بیان به سبک غربی یعنی تجاوز به حقوق مسلمین، تجاوز به مراکز علم و دانش و فقاقت. لذا دینداران و آزادپنجاهان واقعی جهان اسلام باید توجه کنند که دستگاه تروریسم فرهنگی استکبار جهانی، میبانی و ایدئولوژی اسلامی را در معرض ترور قرار داده است. بنابراین اعتراض و تبیین و مبارزه و مقابله با این تروریسم فرهنگی جهانی ادامه خط دفاع مقدس است.

آری به گفته آن عزیز، دفاع مقدس ما تمامی ندارد همچنان در دفاع مقدس قرار داریم و امروز دفاع ما از مساحت مقدس ولایت فقیه و مرجعیت جهان اسلام است، چراکه بدون این ولایت، جامعه اسلامی در خطر آسیب‌ها و ضررهای زیادی قرار دارد. باید اذعان کرد که اهانت به ولی امر مسلمین از سوی ایدای استکبار و صهیونیسم جهانی برای ملت ما پیام‌های زیادی را به‌دنبال دارد. ذرهای از این هتاک‌های این است که دنیای استکبار به اذعان خود اندیشکده‌ها و سیاستمداران شان به این نتیجه رسیده‌اند که تا زمانی که شخصی به نام سید علی خامنه‌ای (حفظه‌الله تعالی) در مسند حکومت جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، هیچکدام از نقشه‌ها و توطئه‌های دنیای استکبار به هدف خویش نخواهد رسید، چرا که ولی امر مسلمین با فراست و کیاستی که حضرت رسول(ص) می‌فرماید «انقوا من فراسة المؤمن فأنه ينظر بهدنباله»، به امور و مسائل ایران و جهان اسلام می‌نگرد، لذا تمام نقشه‌های استکبار جهانی را عقیم گذاشته است و شخصیت‌های برجسته‌ای چون سردار شهید سلیمانی را به جهان عرضه کرده است تا با تقویت جبهه مقاومت، الگوی موفق «نفوذ راهبردی مدل ایرانی» را تا قلب استکبار نفوذ دهد و لوزه به اندام مستکبران جهان اندازد. بنابراین تروریسم فرهنگی جهانی با تمام وجود خویش می‌داند کسی را هدف قرار داده است که قطع‌کننده رگ قلب آنها است.

دنیای غرب و ایادی آن خود بهتر می‌دانند که توهین به مقدسات و ملت از مصادیق نسل‌کشی فرهنگی است و حال با این عمل تروریستی فرهنگی دست به نسل‌کشی فرهنگی کل جهان اسلام زده‌اند. لذا بر متدینان و آزادمدان جهان اسلام است که با تمام وجود به دفاع فرهنگی برخاسته تا در این جنگ فرهنگی بیروز شویم.

## «آزادی بیان» به سبک نظام سلطه

**دکتر محمد ملکنزاده**  
عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

به‌دنبال ناکامی عاملان اغتشاش و ایجاد نامنی در ایران، اقدام موهن نشریه فرانسوی «شارلی ابدو» در اهانت و هتک حرمت به ساحت ولی امر مسلمین جهان و مقام زن در ایران بار دیگر از عمق تک‌دشمنان جهان اسلام علیه نظام اسلامی و ملت مسلمان ایران پرده برداشت. اقدام وقیحانه این نشریه موهن فرانسوی که سابقه توهین یا بازتشر کاریکاتورهای اهانت‌آمیز نسبت به ساحت پیامبر عظیم‌الشان اسلام حضرت محمد مصطفی(ص) و توهین به عقاید و ارزش‌های ولای اسلامی و مقدسات بیش از یک میلیارد مسلمان را در

پرونده سیاه خود دارد، نشان داد آزادی بیان و قلم امروز به بازیچه‌ای در دست دولت فرانسه و کسانی تبدیل شده که منتقدانی را صرفاً به خاطر انتقاد از عملکرد رژیم صهیونیستی و تشکیک در افسانه هولوکاست به سال‌ها زندان محکوم می‌کنند و با هر تحقیقی درباره هولوکاست مخالفت می‌ورزند اما به خود اجازه می‌دهند بی‌شرمانه‌ترین اهانت‌ها و افتراها را علیه مخالفان عقاید خود انجام دهند.

«روزه گارودی» به جرم انکار هولوکاست در سال ۱۹۹۸ توسط یک دادگاه فرانسوی مجرم شناخته شده و به خاطر کتاب «اسطوره‌های بنیانگذار سیاست اسرائیل»، ۱۲۰ هزار فرانک فرانسه (۲۰ هزار دلار) جریمه می‌شود. «رابرت فاریسون» مورخ منکر هولوکاست در سال ۲۰۰۶ به دلیل مصاحبه‌ای که در سال ۲۰۰۶ انجام داد، به جرم انکار هولوکاست به سه ماه زندان و پرداخت ۷ هزار و ۵۰۰ یورو محکوم می‌شود. «موریس سینه» کاریکاتوریست همین مجله فرانسوی «شارلی ابدو» در سال ۲۰۰۹ میلادی به دلیل رسم کاریکاتور انتقادی نه چندین مهم از رهود از کار برکنار می‌شود. و اما همین افراد، توهین به مقدسات مسلمانان و جریحه‌دار کردن قلوب صدها میلیون مسلمان از سوی این نشریه را مصداق آزادی بیان می‌دانند!

هنگامی که شارلی ابدو با انتشار کاریکاتورهای موهن علیه پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد(ص) به مقدسات و اعتقادات یک میلیارد مسلمان اهانت کرد، نه تنها دولت‌های مدعی آزادی بیان این اقدام موهن نشریه فرانسوی را محکوم نکردند بلکه به بهانه آزادی بیان از آن نیز حمایت کردند؛ گویا از دید مقام‌های دولت فرانسه محدوده این «آزادی بیان» تنها شامل توهین به مقدسات و عقاید مسلمانان است اما در مسائل مربوط به صهیونیسم و یا مساله هولوکاست همه باید خطوط قرمز آنان را رعایت کنند!

حرکت بزدلانه و بی‌شرمانه نشریه شارلی ابدو که با حمایت دولت فرانسه و رژیم صهیونیستی کاریکاتورهای ضد اسلامی و ایرانی منتشر می‌کند و دولت‌های غربی هم به بهانه حمایت از آزادی بیان از آن دفاع می‌کنند، گرچه اصول و مومای حقوق بین‌الملل یعنی اخلاقی، ضد حقوق بشری و حتی ضد اصول حرفه‌ای آزادی بیان است اما از آنجا که از عمق وحشت و کینه آنان از اسلام و مسلمانان و استیصال در برابر انقلاب اسلامی ایران حکایت دارد، نشان‌دهنده ضعف و حقارت دشمنان انقلاب اسلامی است. هدف از این اهانت‌ها که گاه با اهانت به ساحت مقدس پیامبر اسلام(ص) و گاه با توهین به ولی امر مسلمین و مقام مرجعیت در لوی آزادی بیان انجام می‌شوند، پیشبرد پروژه اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی است؛ در حالی که تجربه نشان می‌دهد این توهین‌ها و ایجاد تنفر و انزجار علیه مسلمانان و مردم جهان همواره به ضرر عاملان هتاک غربی تمام شده است. بیش از یک میلیارد مسلمان جهان هنوز ماجرای توهین نشریه شارلی ابدو به ساحت مقدس پیامبر اسلام(ص)، قرآن کریم و دین مبین اسلام و نفرت‌پراکنی علیه مسلمانان را در سال ۲۰۱۵ از یاد نبرده‌اند. اقدامی که موجب پاسخ قاطع مسلمانان علیه این نشریه شد و در نتیجه آن نفر از کارکنان این تحریریه در حمله دو مرد مسلح کشته و زخمی شدند. با این حال، مدیران این نشریه گویا هرگز درس عبرت نگرفتند از این اتفاقات و حاضرند هر چند به قیمت فدا نمودن کارکنان خود در مسیر کسب شهرت و سود بیشتر خویش استفاده کنند! از مجموع می‌توان گفت امروز غرب و مدعیان دروغین آزادی و حقوق بشر هر جا از مواجعه منطقی و استدلالی درمانده شوند به توهین و تحقیر پناه می‌برند. از نگاه آنان مفاهمی مانند «آزادی بیان» و «حقوق بشر» تنها وسیله‌ای برای پیشبرد رویکردهای ناصواب دولت‌های اروپایی و غربی است و در عمل از حربه توهین علیه دیگر مذاهب، ملت‌ها و کشورها استفاده می‌کنند. سخنان تحقیرآمیز چند روز اخیر رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر اینکه «تمام دنیا که روی شلوار جین ما هم نیستند» نشان می‌دهد آنان برای هیچ انسان و ملتی غیر از خود ارزشی قائل نیستند؛ در حالی که به فرموده نبی مکرم اسلام «خوارترین مردم کسی است که دیگران را مورد تحقیر و توهین قرار دهد.» (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۵)

## مدخلی بر الهیات فلسفی تمسخر

**دکتر سیداحمد غفاری قرمبانی**  
عضو هیات علمی مؤسسه حکمت و فلسفه ایران



**نکته اول:** تمسخر، فعلی برخاسته از انفعال غیرعلمی است. شخص تمسخرکننده، در مواجهه با فعالیت است که نتوانسته است آن را با پایبندی مستدل و عالمانه، به نقد بکشد و محاکمه علمی کند؛ از سوی دیگر، از شیوع آن فعالیت نیز نگران است. بنابراین، با رویکردی انفعالی تلاش می‌کند قوای وهمی خویش را در مقابل آن، به کار گیرد و بدین ترتیب، سعی می‌کند با پوشاندن واقعیتی که نتوانسته است آن را نقد علمی کند، تصویری غیرواقعی از آن را برای مخاطب جلوه دهد تا از این طریق، مانعی در مقابل شیوع واقعیت ایجاد کند و این، آغاز تمسخر است. چندین دهه است انقلاب اسلامی ایران، در مقابل انواع هجوم‌های نظامی و فرهنگی، نه تنها مقاوم مانده است، بلکه به رکان مدنیت غربی هجوم برده است و این، برای تصمیم‌سازان غربی گریز آورده است و چون نتوانسته‌اند مردانه در میدان مناظره و نقد علمی حضور یافته و داشته‌های علمی خویش را به میدان بررسی آورند، نامردانه به تمسخر شخصیت‌های محترم جریان حق می‌پردازند. حال، آنکه تمسخر، نشانه روشنی بر تهی بودن و نژاوری علمی است.

**نکته دوم:** آزادی، زمانی ارزشمند است که در خدمت فضیلت باشد، نه زدبلیت. اصولاً و طبق قواعد فلسفی و اخلاقی، «آزادی» خودش فضیلت نیست، ولی اگر در مسیر فضیلت‌مندی به کارگرفته شود، ارزش خواهد یافت، به عنوان مثال، شخص قاتل، قتل را با آزادی انجام می‌دهد؛ ولی هیچ عاقلی او را به خاطر آزادی‌اش تمجید نمی‌کند و همگان او را محکوم به مجازات می‌کنند. اینکه وزیر امور خارجه فرانسه می‌گوید فرانسه کشور آزاد است و در کشوری که آزاد باشد، با رسانه برخورد نمی‌شود. بر فرض که سخن درستی باشد، بهانه برای تجویز رسانه‌ای شدن فساد و توهین به سایر اقوام و ملل توسط رسانه‌های رسمی نیست.

**نکته سوم:** مدعیان آزادی، اصلی‌ترین جنابین بر ضد آزادی. تاریخ گواه است که در غرب، کسانی شعار آزادی داده‌اند که بیشترین جنایت را در حق آزادی مرتکب شده‌اند. من، هیچ فیلسوف و اندیشمند لیبرالی را در میان غربیان نمی‌شناسم که حقیقتاً و عملاً پایبند به لیبرالیسم بوده و در پی آزادی باشند. از مشهورترین اندیشمندان و معماران غرب مدرن در این مورد قابل تأمل است. منتسکیو، از بزرگان غرب جدید و نظام سیاسی و حقوقی مدرن، در مشهورترین کتاب خود یعنی «روح‌القوانین» هیچ حقی از حقوق انسانی را برای غیرسفیدپوستان قائل نیست؛ بلکه اساساً سبیه‌پوستان را انسان نمی‌داند؛ با توجه به چنین نگاهی بود که او بر یکی سبیه‌ها، از حقوق سفیدپوستان می‌دانست و در توجیه برده‌داری می‌نوشت: «اروپاییان پس از آنکه [بومیان امریکایی] را ریشه کن ساختند ناچار بودند که آفریقایی‌ها را به بردگی کشند تا بتوانند آن سرزمین پهناور را آماده سازند.»

**نکته چهارم:** در رویارویی عمرین عبود با امیرالمؤمنین(ع)، رسول‌الله(ص) فرمودند: «کل اسلام با کل کفر روبه‌رو شد»، امروز، نیز مرتبته با همه داشته‌ها و نداشته‌هایش، به مصادف اندیشه قدرتمند و تمدن‌ساز اسلام عقلانی آمده است و تلاش می‌کند از همه اهرم‌های سیاسی و فرهنگی و رسانه‌ای خویش برای این رویارویی استفاده کند. در این موقعیت، اصلی‌ترین عامل تأثیرگذار در پیروزی بر رقیب، تصاحب روایتگری است. آیا این طنز تلخ نیست که فرانسه استعمارگر که فقط در یک نمونه، سابقه کشتار هزاران سبیه‌پوست الجزایری را در کارنامه تاریخی‌اش دارد، داعیه‌دار آزادی شده است؟ علت اینکه بسیاری، ادعای آزادخواهی را از کارگزار و رسانه فرانسوی پذیرفته‌اند، ضعف جریان حق در روایتگری هویت تاریخی فرانسه است. امروز بیش از پیش «نبرد روایت‌ها» خودنمایی می‌کند و فقط کسانی می‌توانند در این نبرد تأثیر بگذارند که در روایتگری حقیقت، بیش از رقیب تلاش کنند و ذهن مخاطب را بیش از مسموم شدن به دروغ، منور به نور آگاهی کنند.

«و لَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُونَ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ؛ و خدا را از آنچه ستمکاران انجام می‌دهند، بی‌خبر مپندار؛ مسلماً [کیفر] آنان را برای روزی که چشم‌ها در آن خیره می‌شود، به تأخیر می‌اندازد. ابراهیم/۴۲.»

مجلس‌های وقیح و توهین و گستاخی به پاک‌ترین باورهای میلیون‌ها انسان را رویه عادی شده خود قرار داده و دامن هنر را به بی‌حرمتی‌ها آلوده است بار دیگر به هجمه‌ای شیطانی علیه ارزش‌های انسانی الهی، نام مبارک حضرت حق تعالی (تبارک اسمه و جل جلاله) و رمز مرجعیت شیعه و شخصیت عظیم‌الشان رهبری معظم (دام ظلّه) اقدام کرده است. بی‌گمان این طرح ابلیس حلقه‌ای از نقشه شوم دین‌زدایی و بیورش به بنیان‌های هویت توحیدی و اسلامی و جنگ ترکیبی و حرمت‌شکنی ارزش‌های انسانی و الهی و اسلامی و انقلابی است که با پاسخی درخرو می‌طلبد. حوزه‌های علمیه ایران و جهان این حرکت ضد انسانی، ضد ایمانی، نفرت‌پراکنانه، خشونت‌طلبانه و بغض‌افزین را تعرض به امت اسلام، مرجعیت شیعه، ملت شریف ایران و اسلام عزیز و فراتر از یک اقدام محدود و خودسرانه ارزیابی کرده، با صدایی بلند و فریادی روشنگرانه محکوم و نکاتی را اعلام می‌دارد:

۱. استهزا، بی‌شرمی و چنگ‌انداختن بر چهره درخشان انقلاب اسلامی و رهبر فربهخته آن نشان از بغض پنهان و آشکار قدرت‌های استعماری و شکست مفتضحانه آنها در جنایت‌ها، توطئه‌ها و فتنه‌انگیزی‌های سالیان متمادی دارد و آزادگان عالم آنها را واکنشی رذیلانه می‌دانند که از سر استیصال و ناتوانی در مقابله با امواج فرابنده و عظمت انقلاب اسلامی بدان تشبّث می‌شود.

۲. زورمداران و مستکبران عالم بدانند که این حرمت‌شکنی‌ها، نتیجه‌ای جز رسوایی و نکبت و بی‌آبرویی برای آنان به همراه نخواهد داشت. اراده الهی بر اتمام نور و حقانیت اسلام ناب مستقر است و خداوند متعال با همه جنود زمینی و آسمانی این اراده را محقق خواهد کرد. «بِرِسْوَائِهِ يُبْطِئُونَ نُورًا وَآلَهُ بِأَفْوَهِهِمْ وَآلَهُ شَيْمٌ نُورُهُ وَآلُو كَرَّةِ الْكَافِرُونَ، هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ يَوْمَ كَرَّةِ الْمُشْرِكِينَ» (سوره الصف: آیه ۸ و ۹)

۳. ضمن تأیید آزادی‌های مشروع، از مجامع بین‌المللی امید می‌رود جسارت و هتک حرمت ادیان الهی و مقدسات و توهین به نمادهای دینی و میراث معنوی ملت‌ها را به‌دلیل نفرت‌پراکنی و کینه‌گستری ممنوع و محکوم کرده و نیز از نهاد‌های دینی و بهیران ادیان انتظار می‌رود در برابر این حرکت وقیحانه و تروریسم فرهنگی موضعی صریح اتخاذ نمایند.

۴. حرکت زنجیره‌ای برخی از نشریات مبتذل در سال‌های اخیر در پاره‌ای از کشورها بویژه فرانسه نشان‌دهنده سیاست پنهان در مبارزه آشکار با اسلام و امت اسلامی و عمدتاً برای انحراف افکار عمومی از خشونت‌های سیستمی و تبعیض گسترده حقوق بشر در آن کشورها است. حرکتی که از توهین به پیامبر اعظم (صلی‌الله علیه و آله) و قرآن کریم و آغاز و به جسارت به مقام شاخخ مرجعیت و آزار مسلمانان و منع حجاب رسیده و اوج زشتی و پلیشتی و ودالت آن را در این حادثه درنکاد شاهدیم، لازم است مجامع غربی و دولت‌های اروپایی به افکار عمومی جهان اسلام پاسخگو باشند و اقدامات بازدارنده انجام دهند. دولت فرانسه نیز می‌باید از کینه‌توزی‌های بیوسهت خود دست بردارد و این ناهنجاری‌های ارزش‌ستیزانه و رفتارهای غیرقابل پذیرش و بر خلاف عرف و ارزش‌های انسانی و بین‌المللی خود را جبران و مغذخواستی نماید و گرنه باید آماده عکس‌العمل قاطع ملت‌های مسلمان باشد.

۵. مقام مرجعیت و نهاد عالمان دین برآمده از تاریخ بزرگ و سرشار از دانش و معرفت و فضیلت و کانون عشق و ارادت به ارزش‌های اخلاقی و معنوی و سلسله جنبان نهضت‌ها و جنبش‌ها و انقلاب‌های آزادی‌بخش از استبداد و استعمار و دفاع از حقوق مظلومان و نجات امت‌های ستم‌دیده و آزاده و استقلال کشورهای به استعمار کشیده شده است و طبیعی است که استعمارگران و کشورهای دارای پیشینه استعماری و تجارویزشگی از آن کینه و در دل داشته باشند؛ اما رعایت حداقل آزادی و شرم و حیا ضرورتی قاطع دارد و بدون تردید حرمت‌شکنی و قداست‌زدایی اخیر نسبت به نهاد دین و شخصیتی عالیقدر که میلیون‌ها نفر در سراسر جهان از او پیروی می‌کنند و به او عشق و ارادت می‌ورزند، بر خلاف هنجارهای پذیرفته شده اخلاقی و انسانی بوده و نقض قوانین و عرف بین‌المللی است و به شمار می‌آید و برای آزادی‌خواهان و مسلمانان و ملت بزرگ ایران غیرقابل تحمل است.

۶. این سبک‌سری‌ها و بی‌شرمی‌ها که پرده از خوی استبدادی و حرمت‌شکنانه و فبیح دولت‌های استعماری برداشته است، نه تنها امت اسلام و محور مقاومت و ملت شریف ایران و آزادگان عالم را از ادامه مسیر بر افتخار مبارزه با ستم و فساد و استکبار باز نمی‌دارد، بلکه آنان را در عزم انقلابی خود استوارتر می‌سازد.

۷. بی‌گمان مردم و جوانان مسلمان در سراسر گیتی با شجاعت و هوشیاری از همه ظرفیت‌های قانونی، قدرت‌های ملی و مردمی و سرمایه‌های اجتماعی برای تحت تعقیب قرار دادن و مجازات مستکبران و مجرمان و ازمای این بی‌شرمی بهره برده و احساسات پاک و انزجار خود را نسبت به این هجوم شیطانی نشان خواهند داد و آن را محکوم خواهند کرد و مطالبات خود را فریاد خواهند زد. «وَسِعَ الْعِلْمُ الدِّينَ ظُلْمًا أَى مُنْقَلَبٍ يَفْقَهُونَ؛ و آنان که ستم کردند بزودی خواهند دانست که بازگشت‌شان به کجاست.»